

تاریخ و تمدن اسلامی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۷۱-۱۰۰

روابط علمی زیدیه و امامیه از غیبت صغری تا قرن ششم هجری^۱

گیتی محمدبیگی^۲

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

علی رضا ابطحی^۳

استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

محمدعلی چلونگر^۴

استاد گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

نقش آفرینی سیاسی و فکری امامیه و زیدیه، دو فرقه اثرگذار شیعی، در برخی زمان‌ها بارز و انکارناپذیر است. از این رو، ضروری است تا با واکاوی مناسبات این دو فرقه ممتاز شیعی، ضمن بررسی برهه‌ای از تاریخ فکری امامیه، به نقاط واگرایی آنها در آموزه‌های کلامی و دادوستد میراث حدیثی آنان دست یابیم. این مقاله، در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که این دو فرقه مهم شیعه، در محدوده زمانی غیبت صغری تا پایان قرن ششم ه در چه عرصه‌هایی روابط علمی داشته‌اند؟ هم‌چنین فعالان این عرصه چه کسانی بوده‌اند؟ روابط این دو فرقه در این سده‌ها به دلیل پاره‌ای از اشتراکات افزایش یافته است و در عین حال، به سبب اختلاف در برخی از اصول مذهبی، تمایزات فرقه‌ای خویش را نیز دنبال می‌کردند. برای پاسخ به پرسش‌ها و اثبات این فرضیه‌ها روابط علمی امامیه و زیدیه در ایران، به‌ویژه ری، در این بازه زمانی با استفاده از روش تاریخی و شیوه توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع بررسی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: امامیه، زیدیه، عصر غیبت، واگرایی، همگرایی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲

۲. رایانامه: mohamadbeigi.g@gmail.com

۳. رایانامه (مسئول مکاتبات): abtahi1342@yahoo.com

۴. رایانامه: m.chelongar@yahoo.com

مقدمه

بازه زمانی غیبت صغری تا پایان قرن ششم، در روابط علمی بین زیدیه و امامیه، نقطه عطفی در تاریخ هر دو فرقه به شمار می‌رود؛ زیرا امامیه در این عصر با رویداد غیبت وارد مرحله جدیدی شد و در اواخر قرن چهارم از لحاظ فکری اوج گرفت. از سوی دیگر، زیدیان پس از مدت‌ها جنگ و گریز در این دوره قدرت سیاسی یافتند و در پی آن با بهره‌گیری از تعالیم برخی گروه‌های عقل‌گرا مانند معتزله بیش از پیش در صدد تقویت پایه‌های فکری و عقیدتی خویش برآمدند. نکته درخور توجه این جریان این‌که با افول قدرت سیاسی آل بویه در سال ۴۴۷ قمری، به نوعی سیر رو به رشد تشیع، چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ علمی و فرهنگی به محاق رفت.

به نظر می‌رسد، پیش از غیبت امام دوازدهم، تنها مرجع مطمئن و مورد اعتماد شیعیان در امور دینی و حتی غیردینی، امامان(ع) بوده‌اند و اگر شیعیان به منابع و مراجع دیگری نیز توجه داشتند، آن منابع وثاقت و قابل اعتماد بودن خود را با تأیید و تقریر از ائمه(ع) یافته بودند. بنابراین شیعه تا آغاز عصر غیبت خود را بی‌نیاز از تعاملات علمی با دیگران، از جمله زیدیه احساس می‌کرد. شروع عصر غیبت و دسترس نداشتن به منبع علم ائمه اهل بیت امامیه را به تعاملات با دیگران، از جمله زیدیه که دارای اشتراکات زیادی به‌ویژه در مسئله امامت تا امام چهارم با امامیه داشتند، واداشت. پراکندگی شیعیان در سراسر جغرافیای اسلامی و نیز غیبت امام دوازدهم(عج) نیاز شیعیان به مرجع شایسته در امور دینی را دوچندان کرد، مرجعی که در حل مشکلات و مسائل‌شان به او مراجعه کنند. از آنجا که بخشی از میراث معرفتی و عقیدتی و نیز مبانی فکری زیدیه و امامیه برگرفته از اهل بیت است، این دو گروه ناگزیر به همکاری و تعامل علمی بوده‌اند؛ به بیانی دیگر، اشتراک در پذیرش چهار تن از ائمه امامیه یکی از عوامل مهم این تعامل بوده است.

از سده چهارم به بعد فاصله منابع شیعه امامی و شیعه زیدی کاملاً مشخص و بارز بوده است و به نظر می‌رسد در این دوره هر دو فرقه می‌کوشیدند از مجالس و نوشته‌های هم فاصله بگیرند. تنها استثناء در امامیه شیخ صدوق (د. ۳۸۱هـ) است که به مشایخ علوی-زیدی رویکرد مثبت داشت و احادیث بسیاری از اینان فرا گرفت و به امامیه منتقل کرد. روایات راویان زیدی در موضوعات و قلمروهای متفاوتی به منابع امامی راه یافته، از جمله اخباری در قیام زید، برخی اعتقادات مشترک زیدیه و امامیه، روایات فقهی، تفسیری، اخلاقی و نیز منابع رجال امامی از این روایات متأثرند. با این همه به نظر می‌رسد مهم‌ترین حوزه‌ای که از روایات زیدی تأثیر پذیرفته و نیاز به توجه دارد، فقه امامیه است.

با وجود همکاری‌ها و تعاملات مثبت و سازنده زیدیان و امامیان در عرصه اجتماعی و فرهنگی، آنان در برخی از حوزه‌های علمی به رویارویی یکدیگر رفته و در این حوزه بسیار به رد و نقد همدیگر پرداخته‌اند. این کشمکش‌های علمی ریشه در دوران حضور دارد؛ البته برخی از خلفای عباسی آن عصر نیز سعی داشتند آتش اختلافات این دو فرقه را روشن نگه دارند.^۵ حجم انتقادهای زیدیه از امامیه، از لحاظ کمی و کیفی بیشتر بوده است.^۶ کهن‌ترین و مهم‌ترین منبع شیعی در موضوع غیبت که در قرن چهارم نگاشته شده و تا به امروز کتاب مرجع محسوب می‌شود، کتاب الغیبة ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی‌زینب (د. ۳۶۰هـ) از محدثان دوره غیبت صغری و دیگری کتاب کمال الدین و تمام النعمة محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق است.

امامیان نیز ارتباط علمی با زیدیان را اهمیت می‌دادند؛ از این روست که ابن جنید اسکافی

۵. طوسی، ۵۳۰/۲.

۶. صفری فروشانی، ۲۲.

د. ۳۸۱ هـ) در سفر به نیشابور به استماع حدیث از زیدیان توجه نشان داد.^۷ برخی از امامیان در این زمینه به شکل افراطی سعی داشتند خود را به زیدیان نزدیک کنند.^۸ در این دوره اوج همکاری و تعامل این دو گروه در عهد آل بویه دیده شد که بیشتر جنبه سیاسی داشت.

پیشینه تحقیق

در خصوص امامیه و زیدیه پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته و در اغلب آنها به فعالیت‌های سیاسی، تاریخ و عقاید و اندیشه‌های آنان پرداخته شده است. برخی از پژوهش‌هایی که در خصوص روابط علمی و فرهنگی آنها انجام شده عبارتند از مقاله «تعاملات علمی و فرهنگی زیدیه و امامیه در عصر صادقین(ع)» نوشته صفری فروشانی که در آن به مناسبات زیدیه با شیعیان طرفدار نص پرداخته شده است. مناسبات این گروه با شیعیان طرفدار نص موضوعی است که این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و در محدوده عصر صادقین(ع) به آن پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که اشتراکات فکری سبب همگرایی این دو گروه و گسترش آموزه‌های عمومی شیعه بوده است؛ اما با رشد زیدیه و دستیابی آنان به مبانی نسبتاً مستقل، دایره اختلافات زیدیان با امامی مذهب‌بان وسیع‌تر شده و هر دو فرقه برای حفظ هواداران خود و جذب شیعیان دیگر، به مقابله با یکدیگر برخاسته‌اند.

مقاله دیگری از صفری فروشانی به «تعامل امام رضا(ع) با زیدیه» پرداخته است. در این مقاله بیشتر به دیدگاه‌های امام رضا(ع) درباره شخصیت زید بن علی و قیام‌های علویان در عصر امام رضا(ع) و دفاع از زید در مقابل زید النار پرداخته شده است.

۷. طوسی، ۲۵۹ - ۲۶۰.

۸. نجاشی، ۴۴۰.

صفری فروشانی در مقاله «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم ه» به بررسی انگیزه محدثان از نگارش آنها و مقایسه رویکرد آنان در گزارش تاریخ با دیدگاه تاریخ نگاران پرداخته و سپس ارزیابی سندی و محتوایی برخی گزاره‌های تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم هجری را بررسی کرده است.

در «تعاملات زیدیه و امامیه و نقش آن در پیشبرد کلام شیعی»، فتاح غلامی خیلی کوتاه به شباهت و تفاوت زیدیه و امامیه و داد و ستد فرهنگی آنان پرداخته و معتقد است در دوری و نزدیکی میان زیدیه و امامیه، تنوع و چند دستگی میان پیروان مکتب اعتزالی نیز مؤثر بوده و سپس به انتقال فرقه زیدیه به یمن پرداخته است.

رحمتی در مقاله «روابط زیدیه و امامیه با تکیه بر کتاب المحیط باصول الامامة» پس از بررسی کتاب المحیط منابع و نویسندگان، به تکوین مسئله امامت در میان زیدیه پرداخته است. در مقاله «زیدیه و منابع مکتوب امامیه»، حسن انصاری از کتاب الامالی شریف مرتضی و نیز تنزیة الانبیاء او و تفسیر ابن عبدک و تفسیر ابوجعفر طوسی (التبیان) یاد می‌کند و می‌گوید: اینان محققان و اهل معرفت و «محصّلین» امامیه‌اند که در کتاب‌های خود به جای نقل احادیث تفسیری از امامان خود - که به‌زعم المنصور بالله «موضوع» هستند، به تفاسیر معتزله، از جمله تفاسیر ابو علی جبایی و ابوالقاسم بلخی و ابومسلم اصفهانی و نیز زجاج و تفاسیری دیگر از این دست مراجعه می‌کنند.

تأثیر حدیث زیدیه بر حدیث امامیه عنوان رساله دکتری اعظم فرجامی است که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه قم دفاع شده است؛ این رساله به موضوعاتی چون شرح حال راویان زیدی، ابعاد روایات آنها، بیان اعتقادات و چگونگی تأثیر راویان زیدی بر منابع روایی امامیه پرداخته است.

وجه تمایز این تحقیق با تحقیقات مذکور این است که هدف این پژوهش بیان موارد برجسته تعامل و واگرایی امامیه با زیدیه است که در ضمن این تعامل و واگرایی هر دو گروه توانستند از ظرفیت‌های یکدیگر بهره‌بردار شوند.

تعامل و تقابل

یکی از راه‌های فهم اندیشه‌ها و رویکردهای نظری در روابط بین‌الملل، توجه به مفاهیم در قالب دوگانه‌هایی مانند: «تقابل و تعامل»، «واگرایی و هم‌گرایی»، «منازعه و مصالحه» و «واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی» است. هم‌گرایی در لغت به معنای پیوستگی و نزدیکی اعضا یا اجرای یک مجموعه با یکدیگر، اتحاد، تقارب آمده و در برابر واژه «واگرایی» قرار دارد که به معنای دور شدن اجزای یک مجموعه از همدیگر، تفرق و پراکندگی است.^۹

برای فهم معنای اصطلاحی «هم‌گرایی»، باید از واژه‌های مشابه و نزدیک به آن، مانند «وحدت» کمک گرفت. این واژه، از کلمات کلیدی و نزدیک به کلمه «هم‌گرایی» است و در اصطلاح دانشمندان اسلامی عبارت است از هم‌بستگی مسلمانان بر پایه مشترکات دین اسلام که در عین حفظ و رعایت مرزها به منزله مجموعه‌ای واحد به شمار آیند.^{۱۰}

همکاری در عرصه سیاسی

اوج همکاری سیاسی امامیه و زیدیه در دوره آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ هـ) قابل مشاهده است. آنان در این دولت در دو حوزه سیاسی - فرهنگی و سیاسی - اجتماعی تعامل درخور توجهی داشته‌اند.

۹. انوری، ۸/۸۳۸۱.

۱۰. مطهری، ۲۱۲-۲۱۶.

حکومت‌داری آنان به نوعی مورد رضایت شیعیان امامی واقع شده بود. علمای امامیه با توجه به فضای فراهم شده از سوی بویه‌یان، از همکاری با امرا و وزرای بویه استقبال کردند. شیخ صدوق (د. ۳۸۱هـ) در دربار رکن الدوله بویه در ری حضور می‌یافت.^{۱۱} شاهد دیگر آن‌که، معزالدوله (د. ۳۵۶هـ) بویه پس از بحث و گفت‌وگو با برخی از علمای امامیه به صراحت به امامت ابن داعی علوی، از رهبران زیدیه، اعتراف کرد و از سوی دیگر، رکن الدوله (د. ۳۶۶هـ) ضمن پذیرش امامت ابن داعی علوی، از عدم مساعدت به وی در گیلان و دیلم عذر خواست.^{۱۲} افزون بر اینها، بویه‌یان پس از به دست گرفتن زمام امور در بغداد بنا داشتند یکی از علویان را به جای خلیفه عباسی بر مسند خلافت بنشانند که با دیدگاه زیدی بودن آنان سازگار است. بویه‌یان فضای خوبی برای اظهار نظر علمی برای شیخ صدوق (د. ۳۸۱هـ) فراهم کردند؛ وی نیز در این وضعیت مناسب، با برگزاری مجالس علمی، به طرح مبانی معارف امامیه و دفاع از آن دست یازید.^{۱۳} حسین بن علی بن بابویه (د. ۳۲۹هـ)، برادر شیخ صدوق، نیز در جرگه علمای دربار بویه‌یان ری و مورد احترام و اکرام صاحب بن عباد (د. ۳۸۵هـ) زیدی معتزلی، بوده است؛ حتی وی یکی از آثار خویش را به این وزیر آل بویه تقدیم کرده.^{۱۴} سایر دانشمندان امامیه نیز روابط تنگاتنگی با صاحب بن عباد داشتند.^{۱۵}

هم‌چنین اعطای آزادی به شیعیان از سوی امیران آل بویه در برگزاری شعائر مذهبی، از قبیل

۱۱. ابن جوزی، ۱۸۰.

۱۲. هارونی، ۶۵-۶۹.

۱۳. نجاشی، ۳۹۲.

۱۴. ابن حجر، ۳۰۶/۲.

۱۵. همو، ۲۴۲/۲.

سوگواری عاشورا، جشن غدیر و براءت علنی از مخالفان اهل بیت^{۱۶} در هم‌گرایی میان شیعیان زیدی و امامی بی‌تأثیر نبوده است.

واگرایی زیدیه و امامیه در عصر ائمه

در مباحث فقهی، رویه استدلالی هر دو فرقه و اهتمام شان به آیات الاحکام،^{۱۷} سبب توافق آنان در بسیاری از مسائل بود؛ اما عدم استفاده پیروان زید از گفتار و احادیث ائمه (ع) و اتکا به قیاس و مصالح مرسله، سبب شد تا در نظرات فقهی نیز از امامیه فاصله بگیرند^{۱۸} و البته در برخی مسائل، به فقه شافعی و امامی نزدیک می‌شوند.^{۱۹}

در بین مسائل اختلافی این دو گروه می‌توان از بداء به معنای پدیدار ساختن امری بر مردم که خداوند بنا بر مصلحتی آن را برای مدتی از آنان مخفی کرده بوده، نام برد. امامیه بداء را لازمه اعتقاد به توحید دانستند؛^{۲۰} اما زیدیه هم‌چون اهل سنت آن را نپذیرفتند و اعلام کردند که علم خداوند تغییرناپذیر است؛ درحالی که به باور امامیه بداء به معنای تغییر در علم خداوند نیست.^{۲۱}

زیدیه و امامیه پس از توافق در اصل موضوع امر به معروف و نهی از منکر در چگونگی آن با یکدیگر اختلاف نظر داشتند. زیدیه برخلاف امامیه این آموزه دینی را به عنوان یکی از اصول

۱۶. ابن جوزی، ۱۵۰، ۱۵۱.

۱۷. شهرستانی، ۱۶۲/۱.

۱۸. عمرجی، ۲۱۵.

۱۹. شهرستانی، ۱۶۲/۱.

۲۰. کلینی، ۱۴۶/۱.

۲۱. صفری فروشانی و توحیدی، ۱۹-۲.

اساسی خود می‌دانستند و مصداق بارز آن را قیام در برابر ستمگران و حاکمان جور اعلام می‌کردند.^{۲۲}

مهم‌ترین وجه تمایز شیعه امامیه با شیعه زیدیه مبحث امامت است. زیدیان تعریفی خاص و متفاوت با فرقه‌های دیگر شیعی، هم‌چون امامیه و اسماعیلیه، از امامت دارند. در حالی که دیگر فرقه‌های شیعی مشخصاً از عصر امام جعفر صادق (ع) به بعد، امامت را امری الهی، متکی به نصّ امام پیشین و در سلسله‌ای متصل از پدر به فرزند می‌دانستند^{۲۳} و بر اعلمیت امام تأکید می‌ورزیدند، زیدیان اعتقادی به اعلمیت امام و تعیین او بنا بر نصّ امام پیشین نداشتند و هر یک از فرزندان فاطمه زهرا (س) را که به زهد و علم متّصف بود و به قیام به سیف علیه حکومت جور اهتمام داشت، شایسته امامت و رهبری جامعه می‌دانستند.^{۲۴} شهرستانی می‌گوید: «مشاجره‌ای بین باقر و زید رخ داد به این دلیل که زید تعلیمات واصل بن عطاء معتزلی را سرمشق خود قرار داده بود. زید ادعا می‌کرد که امامت مشروط به این است که امام در میان مردم حضور یابد و حقش را مطالبه کند. در پاسخ باقر به زید گفت که بر مبنای این شرط امامت پدرشان، امام سجاد، که چنین مطالبه‌ای نکرده، زیر سؤال خواهد رفت».^{۲۵}

ردیه‌نگاری زیدیه و امامیه

زیدیان و امامیان در برخی از حوزه‌های علمی به رویارویی یکدیگر رفته و در این حوزه بسیار به رد و نقد همدیگر می‌پرداختند. این کشمکش‌های علمی، ریشه در دوران حضور داشت؛ البته

۲۲. ابن شهر آشوب، ۲۴۱/۳.

۲۳. مدرسی طباطبایی، ۱۲۲-۱۲۳، ۱۵۰، ۱۵۹-۱۶۰.

۲۴. شهرستانی، ۱۵۶/۱.

۲۵. شهرستانی، ۶۲.

برخی از خلفای عباسی آن عصر نیز سعی داشتند آتش اختلافات این دو فرقه را روشن نگه دارند.^{۲۶} حجم انتقادهای زیدیه از امامیه، از لحاظ کمی و کیفی بیشتر بود.^{۲۷} به نظر می‌رسد، زیدیان در ابتدای پایه‌گذاری کلامی خود، به سبب میراث مشترک معرفتی در احادیث اهل بیت(ع)، در بعضی از مسائل، جز مسئله امامت، با امامیان هم‌فکر و هم‌سو بودند.^{۲۸}

کوفه به دلیل گرایش‌های علوی، نخستین مرکز مهم فعالیت زیدیه گردید و عالمان زیدی در آن شهر به تدوین آراء و عقاید خود پرداختند و «در کنار تدوین آرای حدیثی و فقهی ... به نقد آرای دیگر فرق، خاصه امامیه، که اشتراکات زیادی با آن داشتند، توجه نشان دادند. کهن‌ترین آثار موجود از این گونه [نقدها] دو رساله به نام‌های الرد علی الرافضة و الرد علی الروافض من اهل الغلو، منسوب به قاسم بن ابراهیم رسی (د. ۲۴۶هـ)، مشهورترین عالمان زیدی قرن سوم است که تأثیر جدی وی در سنت زیدیه تا به امروز نیز مشهود است... در انتساب این رساله‌ها به قاسم بن ابراهیم تردید جدی وجود دارد و دست‌کم رساله الرد علی الروافض من اهل الغلو تألیف یکی از زیدیان کوفه معاصر با امام هادی(ع) ... به دلیل نکاتی که در این رساله در باب مجادلات امامیه و زیدیه آمده و قدمت آن، اهمیت فراوانی دارد».^{۲۹}

با آغاز غیبت صغری در ۲۶۰ و شرایط دشواری که امامیه با آن روبه‌رو شد، امکان بیشتری برای زیدیه فراهم آمد تا به نقد امامیه که به گمان آنان اصول آن بیش از هر زمانی آسیب‌پذیر شده بود، بپردازند. یکی از کهن‌ترین و مؤثرترین نوشته‌های زیدیان درباره امامت و رد آراء امامیه، کتاب الاشهاد ابوزید عیسی بن احمد بن زید علوی (د. ۳۲۶هـ) بوده که در اواخر سده سوم و

۲۶. طوسی، ۵۳۰/۲-۵۳۷.

۲۷. صفری فروشانی، ۲۲.

۲۸. ذهبی، ۹۳/۲.

۲۹. مادلونگ، ۹۶۸۶.

اوائل سده چهارم در ری می‌زیسته است.^{۳۰} و ابن قِبَه (د. قبل از ۳۱۹هـ) ردی بر آن به نام نقض کتاب الاشهاد نوشته است.^{۳۱} ابن قِبَه در این رساله اشکال‌های ابوزید را یک به یک آورده و به آنها پاسخ داده است. افزون بر کتاب‌های یاد شده، آثار دیگری از ابن قِبَه، چون الرد علی ابن علی الجُبائی و التعریف و المسألة المفردة فی الامامة نام برده‌اند.^{۳۲}

کتاب ابوزید علوی تأثیر زیادی بر کتاب‌های دیگر زیدیان درباره امامت گذاشت. وی در این کتاب برخی از معتقدات امامیه، چون عصمت امام، نص جلی، اعجاز غیرنبی، و یا موضوعاتی چون عدم باور امامت زیدبن علی از سوی امامیان را به چالش کشید.^{۳۳} تأثیر کتاب ابوزید از این‌جا پیداست که ابوالعباس حسنی (د. ۳۵۳هـ)، از دانشمندان برجسته زیدی در سده چهارم، که خود از شاگردان ابوزید بوده است، بعداً تعالیم و خطوط اصلی آن کتاب را کم و بیش در آثارش دنبال کرده است و دو شاگرد نامدارش، ابوالحسین احمد بن حسین بن هارون بطاحنی (د. ۴۱۱هـ) و برادرش ابوطالب یحیی بن حسین بن هارون بطاحنی (د. ۴۲۴هـ) هر دو در کتاب‌هایشان، تعالیم این استاد و نیز خطوط اصلی ابوزید علوی را در نقد امامیه کم و بیش دنبال کردند.^{۳۴} ابو الحسین و ابو طالب هارونی، که در سنت زیدیه به اخوان شهرت دارند، هر دو با نگارش آثاری این روند را ادامه دادند. ابوالحسین هارونی در چندین کتاب خود و از جمله در نوشته‌ای در نقد ابن قِبَه، به رد باورهای امامیه پرداخت و از خط اصلی انتقاد از امامیه که ابو

۳۰. صدوق، ۲۳۶.

۳۱. ابن شهر آشوب، ۹۵-۹۶؛ نجاشی، ۳۷۵.

۳۲. نجاشی، ۳۷۵؛ طوسی، ۲۹/۱.

۳۳. هارونی، ۱۸۵-۲۰۳.

۳۴. محلی، ۱۵/۲.

زید مبتکر بخش عمده‌ای از آن بود، پیروی کرد.^{۳۵} برادرش ابوطالب هارونی در این زمینه فعال‌تر عمل کرده است. وی کتاب الدعامة فی الامامة را به رشته تحریر درآورد. وی در این کتاب برخی از معتقدات امامیه هم‌چون عصمت امام، نص جلی، اعجاز غیرنبی، و یا موضوعاتی چون عدم باور امامت زیدبن علی از سوی امامیان را به چالش کشید.^{۳۶}

زیدیه بیش از دیگران بر انتقاد از امامیه پای می‌فشرده و شیخ صدوق در کمال‌الدین تصریح می‌کند که زیدیه در خرده‌گیری بر امامیه بیش از دیگران اصرار دارند.^{۳۷} احتمال دارد آنان بیشتر آراء و عقاید امامیه را از عراق به دست آورده باشند؛ هرچند بعید نیست که از طریق امامی مذهببان ساکن یمن به اندیشه‌های اعتقادی امامیه آگاهی یافته باشند.

ابوالقاسم بستی (د. ۴۲۰هـ) از عالمان اعتزال‌گرای زیدیه هم در کتاب البحث عن ادلة التکفیر و التفسیق بسیار به امامیه انتقاد کرد. او هرچند امامیه را از دیگر گروه‌های منسوب به امامیه، مانند خطابییه، مفوضه، باطنیه و اصحاب تناسخ جدا و به تکفیر این گروه‌ها حکم می‌کرد، در تکفیر امامیه احتیاط می‌ورزید، البته او در پاره‌ای از موارد با آرای بیشتر زیدیان نیز مخالف بود^{۳۸} و به این اختلاف نظر هم اذعان داشت؛ برای مثال، وی برخلاف نظر زیدیان منکران امامت را فاسق نمی‌دانست^{۳۹} و حتی سخنان محمد بن جریر بن رستم طبری امامی مذهب (زنده در ۴۱۰هـ) را در کتاب المسترشد، مبنی بر مذمت خلفای نخستین،

۳۵. امین، ۱۶/۵.

۳۶. هارونی، ۲۲۹-۲۴۶.

۳۷. صدوق، ۱۲۶.

۳۸. بستی، ۹۷-۹۹.

۳۹. همان، ۱۰۲-۱۲۰.

نمی پذیرفت.^{۴۰}

غیبت‌نگاری زیدیه و امامیه

سخن زیدیه این بود که عقیده غیبت در میان امامیه قولی است که در پی غیبت ابراز کرده‌اند^{۴۱} و زیدیه، تردید و حیرت شیعیان در تعیین جانشین امامان بعد از درگذشت آنان را نیز دلیلی بر جعل روایات دوازده امام می‌دانستند.^{۴۲} چهارچوب فکری زیدیه بر مبارزه مبتنی بود و رفتار منفعلانه امامیه را جایز نمی‌دانستند و نیز قیام و خروج را از شرایط امام می‌شمردند.^{۴۳} این شبهات سبب گردید که عالمان امامیه از همان آغاز وقوع غیبت، به دفاع از این مسئله پردازند و کوشیدند با شیوه‌ها و روش‌های گوناگون شبهات را پاسخ گویند.

در کتاب‌های فهرست نام ۵۲ تن از راویان شیعه آمده که در عصر حضور معصومان تا پایان قرن پنجم کتاب‌هایی در موضوع غیبت نوشته‌اند. ۱۸ تن از نویسندگان این مجموعه پیش از غیبت، ۱۵ تن در دوره غیبت صغری و ۱۹ تن در دوره غیبت کبری تا پایان قرن پنجم بوده‌اند.^{۴۴} متأسفانه شمار اندکی از این کتاب‌ها به دست ما رسیده است. غیبت‌نگاران امامی کتاب‌های خود را با عناوینی چون الغیبة، أخبار المهدی، اثبات الغیبة، كشف الحیرة، اخبار القائم و الفتن و الملاحم^{۴۵} می‌نگاشتند.

۴۰. همان، ۱۳۰-۱۳۳.

۴۱. صدوق، ۶۷.

۴۲. همان، ۷۴.

۴۳. بغدادی، ۷۷.

۴۴. غلام علی، ۱۶۱.

۴۵. نجاشی، ۲۵۵.

کهن‌ترین و مهم‌ترین منبع شیعی در موضوع غیبت که در قرن چهارم نگاشته شده و تا به امروز کتاب مرجع محسوب می‌شود، کتاب الغیبة ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی‌زینب (د. ۳۶۰هـ) از محدثان دوره غیبت صغری و دیگری کتاب کمال الدین و تمام النعمة محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق (د. ۳۸۱هـ) است. کتاب کمال الدین از این جهت ارزشمند است که شیخ صدوق به منابع اصلی شیعه (الاصول) که قبل از سال ۲۶۰هـ گردآوری شده، دسترسی داشته است. لذا وی در مواردی خواننده را به نویسندگانی چون حسن بن محبوب (د. ۲۲۴هـ)، فضل بن شاذان (د. ۲۶۰هـ)، حسن بن سماعه (د. ۲۶۳هـ) و ابن بابویه (د. ۳۸۱هـ) ارجاع می‌دهد^{۴۶} و مهم‌تر آن‌که حاوی آراء و سخنان ابو جعفر محمد بن عبدالرحمان ابن قبه رازی است.^{۴۷} در عصر ابن قبه مهم‌ترین مسأله متکلمان امامیه پاسخ دادن به شبهاتی بوده که متکلمان فرق دیگر اسلامی بر نظریه امامت شیعه اثنی عشری وارد می‌کردند. ابو الحسین سوسنجردی که از اصحاب و صلحاء متکلمین است گوید: «بعد از این‌که ابن قبه کتاب امامت را نوشت، من بعد از زیارت حضرت رضا(ع) آن را نزد ابو القاسم بلخی (د. ۳۱۹هـ) بردم و چون آن را مطالعه کرد کتاب مسترشد را بر رد آن نوشت و من چون به ری آمدم کتاب مسترشد را به ابو جعفر ابن قبه نشان دادم. پس ابن قبه کتاب مستتبت را بر رد آن کتاب نوشت و من آن را به بلخ بردم و به ابی القاسم بلخی نشان دادم و او کتابی موسوم به نقض المستتبت در رد آن نوشت و چون به ری آمدم ابن قبه از دنیا رفته بود».^{۴۸} برخی دیگر از نوشته‌های ابن قبه در کمال الدین^{۴۹} نقل شده که حاکی از برخوردهای

۴۶. حسین، ۲۶.

۴۷. صدوق، ۱۵۷.

۴۸. نجاشی، ۳۷۶؛ از این سخن سوسنجردی می‌توان دریافت که ابو جعفر ابن قبه هم در ری مدفون است.

۴۹. صدوق، ۵۱/۱-۶۰.

کلامی وی با دو تن از متکلمان دیگر مذاهب است که این دو بر اعتقاد امامیه در مورد مسأله غیبت دوازدهمین امام (عج) خرده گرفته‌اند. ابوالحسین علی بن احمد بن بشار (د. سده ۴هـ) یکی از آنهاست که به فرقه‌ای به نام جعفریه خُلص منسوب است^{۵۰} و دیگری ابوزید علوی (د. ۳۲۶هـ) متکلم زیدی که ابن قبه به نقد آراء او پرداخته است. شیخ صدوق در کمال‌الدین تصریح می‌کند که زیدیه در خرده‌گیری بر امامیه بیش از دیگران اصرار دارند.^{۵۱}

کهن‌ترین گزارش درباره توقیعات امام دوازدهم (عج)، گفته ابوسهل نوبختی (د. ۳۱۱هـ) است. شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین در واقع خواسته با آن‌چه مخالفان امامیه در موضوعات غیبت پیامبران یا طول عمر افراد یا... گزارش کرده‌اند بر آنان احتجاج و گاه تصریح می‌کند که این اخبار شگفت‌تر از غیبت امام مهدی (عج) است، ولی شگفت است که چگونه مخالفان اینها را پذیرفته‌اند، ولی غیبت حضرت مهدی (عج) را انکار می‌کنند.^{۵۲} نزدیک به صدسال بعد از شیخ صدوق کتاب دیگری با نام الغیبه، به قلم شیخ طوسی (د. ۴۶۰هـ) تألیف گردید که به لحاظ شکلی شباهت فراوانی با کمال‌الدین دارد، ولی به لحاظ محتوایی با آن متفاوت است.

مجادله‌ها و کشمکش‌های علمی در این بازه زمانی چندان اوج گرفته بود که بین فرهیختگان ضرب‌المثل شده بود؛ حتی شعرای زیدی و امامی نیز تحت تأثیر این اختلاف نظرها به هجو تعالیم مذهبی هم دیگر روی آوردند^{۵۳} «امامت» محور بسیاری از این مناظره‌ها بود. در حالی که از درگیری اجتماعی توده‌های دو گروه گزارشی در دست نیست، عالمان زیدی و امامی، علاوه بر گفت‌وگو و مناظره‌های رو در رو در عرصه ردیه‌نویسی علیه همدیگر بسیار فعال بوده‌اند.

۵۰. اشعری قمی، ۱۰۱.

۵۱. صدوق، ۱۲۶.

۵۲. همو، ۵۶۴-۵۵۸.

۵۳. بغدادی، ۷۷.

مهم‌ترین عالم زیدی ناقد آرای امامیه در مسئله غیبت در آن روزگار ابوزید عیسی بن احمد (د. ۳۲۶هـ) است که شیخ صدوق در کمال الدین به کتاب الاشهاد او با عنوان انتقادات متکلمی زیدی، و بدون تصریح به نام وی، اشاره می‌کند. محور این انتقادهای، حصر تعداد امامان در دوازده تن است.^{۵۴}

شیخ مفید (د. ۴۱۳هـ) کتاب‌های المسائل العشرة فی الغیبة، مختصر فی الغیبة، جوابات الفارقین فی الغیبة، النص علی الطلحی فی الغیبة و الجوابات فی خروج الامام المهدی را در پاسخ‌گویی به این‌گونه شبهات نوشت.^{۵۵}

تعامل فقهی زیدیه و امامیه

اهمیت زیدیان کوفه در تکوین و شکل‌گیری مذهب زیدیه را می‌توان با تأملی اجمالی بر کلام و مذهب آنان دریافت. سلف نخست زیدیه در کوفه، محدثان زیدی ناموری چون ابوالجوارد زیاد بن منذر (د. ۱۲۲هـ)، در تدوین آرای فقهی زیدیه با نگارش مجموعه‌های حدیثی فعالیت خود را آغاز کردند.^{۵۶} اقامت برخی از سادات زیدی در کوفه چون احمد بن عیسی بن زید (د. ۲۴۷هـ)، مرحله تدوین فقه و حدیث زیدیه در کوفه وارد دور جدیدی شد.^{۵۷} شاگرد نامور احمد بن عیسی بن زید، ابوجعفر محمد بن منصور بن یزید مرادی (د. ۲۹۲هـ) با تدوین و تألیف آثار بسیاری، از جمله امالی احمد بن عیسی بن زید (د. ۲۴۷هـ) که خود مطالب فراوانی بر آن افزود، اثری جامع

۵۴. صدوق، ۱۳۰.

۵۵. نجاشی، ۳۳۹.

۵۶. رحمتی، ۱۳۸۶.

۵۷. محلی، ۵/۲.

در فقه و حدیث زیدیه گردآورد.^{۵۸}

امامیه با برخی آثار حاکم جُسمی، متکلم و مؤلف پرکار معتزلی و زیدی قرن پنجم خراسان (و شهر بیهق) که در سال ۴۹۴هـ، درگذشته، آشنایی داشته‌اند و یا حداقل از آنها نام برده‌اند،^{۵۹} چنان‌که می‌دانیم المراتب ابوالقاسم بستی، اسماعیل بن احمد (د. ۴۲۰هـ) که خود از رجال و عالمان برجسته زیدی و معتزلی ری و شمال ایران بود، مورد بهره‌برداری ابن شهر آشوب (د. ۵۸۸هـ) و ابن طاووس (د. ۶۶۴هـ) قرار گرفته است؛^{۶۰} هم‌چنین امالی ابوطالب هارونی (د. ۴۴۲هـ) از مراجع ابن طاووس بوده است.^{۶۱}

به گفته انصاری «آثار و روایات زیدیان جارودی، یعنی ابوالجارود (د. ۱۲۲هـ)، ابو خالد واسطی (د. ۱۴۵هـ)، ابن عقیده (د. ۳۳۲هـ) و برخی دیگر، همواره مورد بهره‌برداری امامیه بوده است، خاصه که روایات ابوالجارود و حتی ابو خالد با روایات امامی ممزوج بوده و اساساً در ضمن میراث امامیه تلقی می‌شده و این روایات را در کنار روایات دیگر شیعیان کوفه بعدها جزء منابع فقه و حدیث امامی تلقی کردند. ابن عقیده نیز به دلیل سعه روایی‌اش، برای همه اصحاب حدیث و اثر و از جمله امامیه محلّ اعتنا بوده است، خصوصاً که او خود، راوی آثار (اصول و مصنفات) بسیاری از رجال امامیه نیز بوده است. زیدیه نیز چه در عراق و چه در ایران و سرانجام در یمن، کم و بیش با آثار امامیه آشنا بوده‌اند؛ در ایران (خراسان، ری، طبرستان و گیلان) و عراق، بیشتر و در یمن، کم‌تر. زیدیه یمن، به دلیل دوری از محافل امامیه کم‌تر می‌توانستند از آثار امامیان مطلع شوند و یا بهره‌گیرند [؛ اما] در بغداد به دلیل وجود محافل علمی مشترک میان

۵۸. ابوالفرج، ۶۱۹.

۵۹. ابن شهر آشوب، ۹۳.

۶۰. انصاری قمی، ۳.

۶۱. ابن طاووس، ۱۸۲.

زیدیه و امامیه، به‌ویژه بر سر درس استادان معتزلی و مناظرات حادی که میان پیروان ملل و اصحاب نظر وجود داشت، امامیه و زیدیه ... با تولیدات علمی یکدیگر آشنایی می‌یافتند. مجلس صاحب بن عبّاد (د. ۳۸۵هـ) در ری نیز حکم چنین چیزی [محافل] را داشت.^{۶۲}

داد و ستد میراث حدیثی

به دلیل میراث مشترک حدیثی بود که در مجالس علمی بزرگان زیدی، منقولات راویان امامی خوانده و درباره شخصیت آنان بحث و گفت‌وگو می‌شد.^{۶۳} زیدیان روایاتی را به نقل از محدثان امامی، مانند احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (د. بی تا) و ابن ابی عمیر (د. ۲۱۷هـ)، در منابع روایی خود ذکر کرده‌اند. عالمان زیدی نه تنها با طیف معتدل امامیه، بلکه با جریان غلوگرای امامیه نیز کم و بیش مراوده علمی داشتند، از جمله ارتباط ابن عقده با خصیبی؛ اما برخی از شخصیت‌ها در داد و ستد^{۶۴} علمی میان این دو فرقه، سهم بیش‌تری داشته‌اند. یکی از این افراد، محدث شهیر شیعه، احمد بن محمد بن سعید، معروف به ابن عقده جارودی کوفی (د. ۳۳۳هـ) است که اصحاب امامیه با وی حشر و نشر داشته و ضمن اخذ حدیث از او،^{۶۵} وی را ستوده‌اند؛^{۶۶} و از طریق او احادیث فراوانی در موضوعات گوناگون به منابع روایی امامی راه یافته است.^{۶۷} فهرست نگاران امامی نیز از طریق ابن عقده به بسیاری از تألیفات

۶۲. انصاری قمی، ۱۳۸۰.

۶۳. غضائری، ۹۹-۱۰۰.

۶۴. ابن حجر، ۲/۲۷۹.

۶۵. طوسی، ۴۲۴؛ ابن شهر آشوب، ۶۶.

۶۶. نجاشی، ۹۴.

۶۷. صدوق، ۱۶۴، ۲۰۳، ۵۹۰، ۴۶۴.

امامیان نخستین دست پیدا کرده،^{۶۸} از جمله هارون بن موسی تَلَعُکْبَری (د. ۳۸۵هـ)، محدث برجسته امامیه، یکی از حلقه‌های اتصال زیدیه و امامیه است. او با فراگیری حدیث نزد ابن عقده جارودی و ابن بقال زیدی، ارتباط علمی بین زیدیه و امامیه را حفظ کرد؛^{۶۹} هم‌چنین ابوالفضل شیبانی (د. ۳۸۷هـ)، راوی نام آور شیعه و شاگرد کلینی (د. ۳۲۹هـ) که منابع امامیه و زیدیه مشحون از روایات اوست،^{۷۰} نقش مهمی در مرادوات علمی آن دو فرقه داشته است.

محمدبن علی بن خلف العطار (د. ۴۰۷هـ) نیز از جمله این افراد است که روایات فراوانی از طریق وی در آثار حدیثی امامیه راه پیدا کرده است.^{۷۱} علاوه بر اینان، روایات افرادی چون ناصر اطروش زیدی (د. ۳۰۴هـ) نیز کم و بیش در منابع امامیان یافت می‌شود؛^{۷۲} از سوی دیگر، منقولات عالمان امامی، مانند شیخ صدوق (د. ۳۸۱هـ) و ابن عبدک جرجانی (د. ۳۸۱هـ) نیز در مجامع زیدیان ورود پیدا کرده است.^{۷۳}

امامیان نیز ارتباط علمی با زیدیان را اهمیت می‌دادند؛ از این روست که ابن جنید اسکافی (د. ۳۸۱هـ) در سفر به نیشابور به استماع حدیث از زیدیان توجه نشان داد^{۷۴} و برخی از امامیان در این زمینه به شکل افراطی سعی داشتند خود را به زیدیان نزدیک کنند. ابن برنیه، هبة الله بن احمد، (د. پس از ۴۰۰هـ)، عالم امامیه و نواده دختری نایب دوم (ابوجعفر محمد بن سعید

۶۸. طوسی، ۹۷-۱۲۳.

۶۹. همو، ۴۳۲-۴۳۳.

۷۰. همو، ۲۳/۱۰.

۷۱. صدوق، ۱۸۴.

۷۲. صدوق، ۹۴؛ ابن شهرآشوب، ۲۲۴.

۷۳. هارونی، ۸۹-۹۹.

۷۴. طوسی، ۲۵۹-۲۶۰.

عمری)، به سبب معاشرتش با ابوحسین شیبه علوی زیدی (د. ۴۱۱ هـ) کتابی برای وی تألیف کرد و در این کتاب با استدلال به حدیثی و با احتساب زیدبن علی، تعداد امامان را سیزده تن برشمرد.^{۷۵}

دوره تأثیرگذاری راویان و روایات زیدیه بر حدیث امامیه

از سده چهارم به بعد فاصله منابع شیعه امامی و شیعه زیدی کاملاً مشخص و بارز می‌شود و به نظر می‌رسد در این دوره هر دو گروه می‌کوشند از مجالس و نوشته‌های هم فاصله بگیرند. تنها استثناء در امامیه صدوق است که به مشایخ علوی - زیدی رویکرد مثبت داشته و احادیث بسیاری از اینان فرا گرفته و به منابع امامیه منتقل کرده است. بسیاری از این مشایخ ناشناس‌اند و تنها به‌عنوان «شیخ یا استاد صدوق» شناخته می‌شوند. صدوق خود نیز به زیدیه نگاه مثبت داشته و روایات آنها را نقل کرده روایات ستایش آمیز فراوانی درباره زید، به‌ویژه در عیون الاخبار الرضا علیه السلام آورده است. او پس از نقل روایتی که در آن امام رضا(ع) به عمویش زید اشاره کرده،^{۷۶} هر خبری را که در منابع امامی درباره زید شده و غالباً در مدح او است، نقل می‌کند. هم‌چنین او چون زیدیه باور داشته که زید بن علی نگاشته‌هایی داشته که توسط عمرو بن خالد واسطی (د. پس از ۱۴۲ هـ) به آنان رسیده است. این باور حکایت از نوع سند دهی وی به کتاب زید دارد.^{۷۷}

سه امالی امامی را می‌توان نقطه اتصال دوباره حدیث زیدیه و امامیه دانست. مشایخ زیدی

۷۵. نجاشی، ۴۴۰.

۷۶. غضائری، ۱۲۴.

۷۷. صدوق، ۴۲۸.

صدوق، مفید برای طوسی حلقه‌های وصل‌کننده بودند.^{۷۸} گرچه این امالی‌ها به سبب موضوع و نوع شکل‌گیری، منابع فرعی حدیث امامیه به‌شمار می‌آیند، اما تأثیرات در خور توجهی در سند و محتوای حدیث امامیه داشته‌اند.

در میان محدثان امامی، طوسی در دورترین نقطه نسبت به زیدیه ایستاده است. او جز الامالی که آن هم به سبب منابعش به چنین روایاتی در افتاده، در بقیه کتاب‌ها از راویان زیدی دوری کرده و حتی در التهذیب و الاستبصار نمونه‌های بسیاری از روایات زیدیه را به نقد کشیده یا به سبب زیدی بودن راوی وانهاده است.^{۷۹} او در تفسیرش نیز از روایات و مجموعه تفسیر ابوالجارود دوری کرده و آنها را در میان اقوال ضعیف جا داده است. او حتی در کتاب‌های رجالی خود، در قیاس با نجاشی، از ابن عقیله و آراء رجالی او کمتر تأثیر پذیرفته و به طور کلی با شناسایی و یادآوری مذهب راویان زیدی در الرجال خود رویکرد امامی‌تری (شاید به پیروی از کشی) نسبت به راویان زیدی دارد.^{۸۰} بدین سبب این احتمال به ذهن می‌رسد که نجاشی با تذکر ندادن مذهب راویان زید آنان را خودی و امامی پنداشته است. شاید طوسی (د. ۴۶۰ هـ) که خود بنیان‌گذار اصلی منابع خاص امامی است، کوشیده فاصله امامیه را از دیگر فرق شیعی حفظ و نمایان کند.

یک قرن پس از روزگار طوسی رویکرد عالمان امامی به منابع زیدی تغییر کرد. شیخ منتجب الدین (د. ۵۸۵ هـ) چندین استاد زیدی داشت و چند زیدی معاصرش را معرفی می‌کند که از باور زیدی بازگشته‌اند. شیخ روایاتی را نیز با اسناد زیدی گزارش می‌کند. به نظر می‌رسد او

۷۸. بغدادی، ۸۶/۳.

۷۹. طوسی، ۱۲۳/۲.

۸۰. طوسی، ۳۸۰.

در راه نیای خود صدوق گام نهاده است. ابن شهر آشوب (د. ۵۸۸هـ) نیز از اهالی مازندران، یکی از اصلی‌ترین سرزمین‌های زیدیه، بود که تا روزگار ابن شهر آشوب هنوز عالمان و منابع زیدی را حفظ کرده بود. از این رو، می‌توان علت رخنه روایات زیدی در کتاب وی را توجیه کرد.^{۸۱}

پس از سده هشتم نویسندگان و محدثان امامی تنها به تکرار و گردآوری احادیث و منابع پیشین پرداختند و هیچ تألیف یا منبع جدیدی به منابع حدیثی امامی راه نیافت تا روایات زیدی هم از آن جمله باشد. با این همه باید گفت تأثیر روایان زیدی بر حدیث امامیه در این برهه‌ها نبوده است؛ بلکه بیشترین تأثیر در سده دوم گذاشته شد که هنوز بین امامیه و زیدیه مرز چندانی ایجاد نشده بود و از این رو محدثان و مشایخ نخستین، روایاتی را که روایان از امامان آنها نقل می‌کردند، می‌پذیرفتند. بنابراین حدیث زیدیه در ابتدا به امامیه نزدیک بود؛ اما پس از آن منابع این دو مذهب شیعه از یکدیگر دور شدند تا این‌که در سده پنجم به حداکثر فاصله از یکدیگر رسیدند. پس از آن در دوره‌هایی مثل سده ششم و هفتم اندکی به هم نزدیک شدند و سپس باز فاصله گرفتند.

حوزه تأثیرگذاری

روایات روایان زیدی در موضوعات و قلمروهای متفاوتی به منابع امامی راه یافته‌اند، مانند تاریخ پیام زید، برخی اعتقادات مشترک زیدیه و امامیه، روایات فقهی، برخی تفاسیر امامی، روایات اخلاقی و نیز منابع رجالی امامی از این روایات متأثرند؛ اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین حوزه‌ای که از روایات زیدی تأثیر پذیرفته و نیاز به توجه دارد، فقه امامیه باشد.

روایان زیدی اگر چه گروهی از شیعیان بوده‌اند، اما به سبب نزدیکی بیشتر با اهل سنت

اعتقادات و احکامی را از محدثان و فقهای آنان پذیرفته و در روایات خود آورده‌اند و امامیه نیز اخبار و کتاب‌های این راویان را به سبب هم عصر بودنشان با امام صادق(ع) و نقل از این امام بازگو کرده‌اند. با این حال شماری از این اخبار به سبب ضعف راوی یا به دلیل رعایت تقیه در تعارض و تقابل با اخبار امامیه‌اند. طوسی در شناسایی روایات برخاسته از شرایط تقیه کوشیده و توجه به مذهب راوی را سرلوحه بررسی‌های خود قرار داده؛ از این رو روایات تقیه‌ای بیشتر قابل شناسایی‌اند. بیشتر این روایات در موضوع آداب دفن میت و قوانین ارث است.^{۸۲} در مقابل، دلالت روایاتی که شاذ و درخور تأویل‌اند، پنهان مانده‌اند، از جمله شمار بسیاری از اخبار شاذ راویان زیدی در کنار اخبار شاذ راویان دیگر قرار گرفته و می‌توانند در انتخاب دو روایت متعارض نقش شاهد و مؤید داشته باشند.^{۸۳}

از این نمونه‌ها به خوبی بر می‌آید که چگونه روایات شاذ راویان زیدی که گاهی طوسی آنها را برای جمع با اخبار دیگر تأویل و تفسیر و مقید به حالت خاص می‌کند، در مواردی خود سبب به تأویل رفتن دلالت برخی روایات امامی می‌شوند. پس کثرت روایات در موضوعی خاص به تنهایی نمی‌تواند سبب حجیت دلالت باشد؛ زیرا منابع روایی امامی انباشته از روایات راویان زیدی، فطحی، واقفی و اهل سنت است و بازبینی و جدا کردن آنها، به‌ویژه در مواردی که با یکدیگر هم‌خوانی و توافق دارند و مقابل روایات کم‌شمار امامیه قرار می‌گیرند، ضروری است. یکی از راه‌های درست بازبینی و بررسی این روایات ریشه‌یابی مذهبی و اعتقادی راویان اخبار و توجه به جریان‌هایی است که موجب ورود اخبار گروه‌های مختلف شیعی در منابع روایی امامی

۸۲. طوسی، ۱۴۲/۳.

۸۳. همو، ۳۱۸/۷.

شده است.^{۸۴}

برای اطلاع از تأثیر زیدیه بر دانش رجال امامیه می‌توان به بررسی ابن عقیله که شخصیت برجسته و متبحری در این علم و بسیار نزدیک به محافل امامی بوده، بسنده کرد. ابن عقیله در انتقال کتاب‌های شیعیان کوفه به منابع فهرست‌نگاری امامی و نیز تأثیر بر توثیق و تضعیف راویان در رجال امامیه اثر گذاشته که دو تن ازین مفسران یعنی ابوالجارود (د. ۱۲۲هـ)^{۸۵} و حصین بن مخارق (د. ۱۳۲هـ)^{۸۶} به قطع زیدی‌اند. به نظر می‌رسد حجیت دادن به توثیق‌ها و تضعیف‌های رجال غیر امامی نزد رجال شناسان متقدم رایج بوده که برخلاف مبانی رجالی معاصران است.

علمای امامیه و ابن عقیله

ابن عقیله، در مجموع، مورد تأیید و تکریم دانشمندان و دست‌اندرکاران دانش و رجال و حدیث شیعه است و «ارزش آثار وی را به اندازه تألیفات دیگر دانشمندان شیعه می‌دانند».^{۸۷} نعمانی (د. ۳۶۰هـ) نیز در اوائل کتاب الغیبة، در اشاره به ابن عقیله (د. ۳۳۲هـ) می‌نویسد: «این مرد از کسانی است که در وثاقت و آگاهی او به حدیث و رجال - که از وی نقل شده و به ما رسیده است - نتوان خدشه‌ای وارد کرد».^{۸۸}

شیخ طوسی (د. ۴۶۰هـ) درباره ابن عقیله می‌نویسد: تمام کتاب‌های اصحاب ما را روایت

۸۴. فرجامی، ۴۷۰-۴۷۲.

۸۵. نجاشی، ۱۷۰؛ طوسی، ۱۳۱.

۸۶. طوسی، ۱۱۱.

۸۷. جمعی از نویسندگان، ۲۵۰/۱.

۸۸. شوشتری، ۶۰۳/۱.

کرده و برای آنان در قالب مصنفاتی تألیف نموده و اصولشان اصل‌های حدیثی آنان را ذکر کرده است؛ او از حافظان بود.^{۸۵}

همو در کتاب الفهرست می‌نویسد: «شأن وی ابن عقده در وثاقت، بزرگی قدر و عظمت حفظ، مشهورتر از آن است که محتاج ذکر باشد».^{۸۹}

نجاشی (د. ۴۵۰هـ) رجالی نامدار شیعه هم درباره او می‌نویسد: «این مرد در میان اهل حدیث، بزرگ قدر و مشهور به حفظ است و درباره عظمت و حفظ او حکایات، مختلف‌اند. اصحاب ما به سبب معاشرت و مشارکت وی با آنان و نیز منزلت عظیم و وثاقت و امانتش، از او نام برده‌اند».^{۹۰}

افزون بر اینها، محدثانی از فرق مختلف از زیدی و امامی و سنی از ابن عقده روایت کرده‌اند. فهرستی از روایان وی را خطیب بغدادی (د. ۴۶۳هـ) و ذهبی (د. ۷۴۸هـ) آورده‌اند.^{۹۱} در میان افرادی که از ابن عقده روایت کرده‌اند محدثان مشهوری دیده می‌شوند، نظیر کلینی (د. ۳۲۹هـ)، ابوغالب زراری (د. ۳۶۸هـ)، ابن جعابی (د. ۳۵۵هـ)، هارون بن موسی تلّعیّری (د. ۳۸۵هـ)، ابن ابی زینب نعمانی (د. ۳۶۰هـ)، ابوالفرج اصفهانی (د. ۳۵۶هـ)، ابوالحسن دارقطنی (د. ۳۸۵هـ)، ابوالقاسم طبرانی (د. ۳۶۰هـ)، ابن عدی جرجانی (د. ۳۶۵هـ) و ابو حفص بن شاهین (د. ۳۸۵هـ).^{۹۲} ابن عقده، خود به عنوان یک رجالی بین امامیه مطرح بوده و به جرح و تعدیل او در کتب رجالی ایشان اعتنا می‌شود.^{۹۳} وی در بین امامیه مقبولیت عام داشته و بخش

۸۹. طوسی، ۲۸.

۹۰. نجاشی، ۹۴.

۹۱. خطیب، ۱۹/۵-۲۲.

۹۲. کلینی، ۴/۵.

۹۳. ابن داوود، ۷۵.

عمده‌ای از اصول شیعه را روایت کرده است.^{۹۴} حدیث او به وفور در کتب اربعه وارد شده است. از قدمای امامیه، نعمانی،^{۹۵} شیخ طوسی^{۹۶} و نجاشی^{۹۷} بر وثوق وی تأکید داشته‌اند، ولی در قرون بعد علامه حلی^{۹۸} و ابن داوود حلی^{۹۹} ظاهراً تنها به جهت امامی نبودن، وی را در عداد ضعفا آورده‌اند.

نتیجه

روابط علمی میان دو گرایش عمده شیعه، یعنی امامیه و زیدیه، از همان آغاز شکل‌گیری این دو گرایش وجود داشته است. گرچه در کوفه رجال شیعه در گرایش‌های مختلفی دسته‌بندی می‌شدند، اما در قرن دوم هجری با وجود نزاع‌های حاد میان زیدیه و امامیه، شاهد یک داد و ستد علمی فرهنگی میان این دو فرقه‌ایم که به‌ویژه در حدیث شیعی خود را نشان می‌دهد. پس از آغاز غیبت صغرا زمینه اجتماعی برای نزدیکی دو فرقه و یا دست‌کم کاهش نزاع‌ها میان آنان ایجاد شد؛ چرا که در غیبت امام طبعاً حساسیت امامیه نسبت به دعاوی امامت از سوی رهبران زیدی کم‌تر شد. در عین حال می‌بینیم که جدا از کوفه (عراق)، در بخش‌هایی از ایران و از همه مهم‌تر در ری، به دلیل همسایگی زیدیه و امامیه، شیوه‌های جدلی و کلامی برخاسته از منظر معتزلی مجال برای بحث‌های نظری در باب امامت را بیش‌تر کرد و به‌ویژه مسئله غیبت

۹۴. طوسی، ۴۴۲.

۹۵. نعمانی، ۱۴.

۹۶. طوسی، ۲۸.

۹۷. نجاشی، ۹۴.

۹۸. علامه حلی، ۲۰۳.

۹۹. ابن داوود، ۴۲۲.

امام عصر(ع)، نقطه عطف بحث‌های زیدیه و امامیه با یکدیگر بود؛ به‌عنوان نمونه عمده کوشش متکلم برجسته امامی، ابوجعفر محمد بن عبدالرحمان ابن قبه رازی که اینک به دست ما رسیده است، چالش او با یکی از متفکران زیدی معاصر و همشهری او در ری است. با این همه، به دلیل قرابت فکری و مذهبی امامیه و زیدیه در مباحث امامت و همچنین مسائل کلامی و اعتقادی (خاصه در باب توحید و عدل) و تأثیرپذیری هر دو گرایش از اندیشه‌های معتزلی، روابط و داد و ستد فرهنگی میان امامیه و زیدیه در طول تاریخ، به‌ویژه در عصر نزدیکی جغرافیایی پیروان این دو مذهب (در کوفه، بغداد، خراسان و ری) در مجالس درس یکدیگر حاضر می‌شدند و علمای هر مذهب، از محصولات فکری و کلامی و فقهی و حدیثی مذهب مقابل، بهره می‌برده‌اند. بدین ترتیب، روایات راویان زیدی به منابع امامی راه یافته و برخی اعتقادات مشترک زیدیه و امامیه، روایات فقهی، برخی تفاسیر امامی، روایات اخلاقی و نیز منابع رجالی امامی از این روایات متأثرند؛ اما به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین حوزه‌ای که از روایات زیدی تأثیر پذیرفته و نیاز به توجه دارد، فقه امامیه باشد.

کتابشناسی

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲هـ.

ابن حجر، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، دار صادر، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۲۵هـ.

ابن داوود حلی، الرجال، به کوشش جلال الدین محدث، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۴۲ش.

ابن مرتضی، امام احمد بن یحیی، البحر الزخار، صنعاء، دارالحکمة الیمانیة، ۱۴۰۹هـ.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ش.

ابن ندیم، محمد اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱ش.

- الهامی، داود، سیری در تاریخ تشیع، قم، مکتب اسلام، ۱۳۷۵ ش.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله ابی خلف، المقالات و الفرق، تصحیح و تعلیق محمدجواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ ش.
- امین، محسن، أعيان الشيعة (دائرة المعارف الشيعة)، محقق حسن امین ترجمه کمال موسوی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۵ ش.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ۳ جلد، تهران، ۱۸۳۱ ش.
- انصاری قمی، حسن، «زیدیة و منابع مکتوب امامیه»، مجله علوم حدیث، تابستان، ۱۳۸۰ ش.
- همو، «ابوالقاسم بستی و کتاب المراتب»، کتاب ماه دین، سال چهارم، ۱۳۷۹ ش.
- بستی، اسماعیل بن احمد، البحث عن ادلة التكفير و التفسیق، تحقیق زابینه اشمیتکه و مادلونگ، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲ ش.
- بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر، الفرق بین الفرق (تاریخ مذاهب اسلام)، ترجمه محمد جوتد مشکور، تهران، اشراقی، ۱۳۸۸ ش.
- توحیدی نیا، روح الله و نعمت الله صفری فروشانی، «بررسی تحلیلی تاریخ نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم هـ»، تاریخ اسلام، شماره ۴، ۱۳۹۴ ش.
- جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف تشیع، چاپ دوم، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- جعفری، سید حسن محمد، تشیع در مسیر تاریخ، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
- حلی، حسن، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱ ش.
- خطیب، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ هـ.
- ذهبی، محمد بن احمد، سیر الاعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنوط، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ هـ.
- ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، بیروت، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
- رحمتی، محمد کاظم، «روابط زیدیة و امامیه با تکیه بر کتاب المحیط باصول الامامة»، سایت تخصصی تاریخ ایران و اسلام، ۸ بهمن، ۱۳۸۶ ش.
- شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ هـ.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، توضیح الملل (ترجمه کتاب الملل و النحل)، ترجمه مصطفی

- خالقداد هاشمی، سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران، اقبال، ۱۳۵۸ش.
- صدوق، محمد بن علی، الخصال، به کوشش علی اکبر اقبالی، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، قم. همو، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵هـ.
- صفری فروشانی، نعمت الله و روح الله توحیدی، «تعاملات فکری- فرهنگی زیدیه و امامیه در عصر صادقیین(ع)»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۲، ۱۹-۴۸، ۱۳۹۳ش.
- همو و زهرا بختیاری، «تعامل امام رضا(ع) با زیدیه»، تاریخ اسلام، شماره ۵۰، ۱۳۹۱ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، تحقیق سید حسن خراسانی، چاپ چهارم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- همو، تهذیب الاحکام، تحقیق سید خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
- همو، اختیار معرفة الرجال، تحقیق مهدی رجایی، قم، مؤسسه الایت، ۱۴۰۴هـ.
- همو، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵هـ.
- همو، فهرست کتب الشیعة و اصولهم، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰هـ.
- همو، فهرست، تحقیق جواد قیومی، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷هـ.
- عمرجی، احمد شوقی، الحیاة السیاسیة و الفکریة للزیدیه فی المشرق الاسلامی، قاهرة، مکتبه مدبولی، ۱۴۲۰هـ.
- غلام علی، مهدی، «بن مایه های غیبت امام عصر(عج) در روایات»، علوم حدیث، شماره ۵۳، ۱۳۸۸ش.
- غلامی، فتاح، تعاملات زیدیه و امامیه و نقش آن در پیشبرد کلام شیعی، فارس نیوز، ۱۳۸۵ش.
- غضائری، حسین بن عبدالله، تکملة رسالة ابی غالب، مطبعة ربانی، ۱۳۹۹هـ.
- فرجامی، اعظم، زیدیه و حدیث امامیه، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۴ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول فی الکافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، قم، کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ش.
- کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷هـ.
- مادلونگ، ویلفرد، امام قاسم بن ابراهیم و اعتقادات زیدیه، برلین، ۱۹۶۵م.
- محلی، حمید بن احمد، الحدائق الوردیه، تحقیق مرتضی المحطوری، صنعا، مکتبه بدر، ۱۴۲۳هـ.

مدرسی طباطبائی، سیدحسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

مطهری، مرتضی، شش مقاله، انتشارات صدرا، هفدهم، قم، ۱۸۳۸ ش.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۴ ش.

نعمانی، محمد، الغیبة، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.

نویختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.

هارونی، یحیی بن حسین، الافاده، تحقیق محمدکاظم رحمتی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۷ ش.